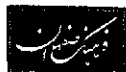


نقش و جایگاه علمی و ادبی زنان اصفهان در عرصه تمدن اسلامی

معمد حسین ریاحی^(۱)

ژوئیه شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



کلیدواژه‌ها

بانوان اصفهان، تمدن اسلامی، راویان حدیث، حدیث‌آموزی، حدیث‌نگاری، حدیث‌پژوهی، استماع حدیث.

چکیده

از دیرباز تا کنون، نقش بانوان در تاریخ و فرهنگ ایران، امری بسیار محسوس و قابل توجه بوده است، و در این میان، تأثیرگذاری و تحوّل‌آفرینی زنان اصفهان در طول تاریخ، چشم‌گیر است. هرچند درباره شخصیت زنان در اصفهان دوران باستان، اطلاعاتی - ولو مختصر - وجود دارد؛ لکن با توجه به نقش قابل توجه اصفهان در تمدن اسلامی و با وجود این‌که این شهر در ادوار مختلف تاریخ ایران، مرکزیت سیاسی، فرهنگی و علمی داشته است، این مسأله، به خوبی مشهود است؛ چنان‌که یاقوت حموی، مؤلف آثار ارزشمندی مانند معجم‌البلدان و معجم‌الادباء آورده است:

((به آن تعدادی که از این شهر، عالمان و پیشوایان در هر فنّ و علمی خارج شده‌اند، در هیچ بلدی از بلاد دیگر مانند آن نبوده است)).^(۱)

و این موضوع، درباره زنان این شهر نیز مصداق داشته است، به گونه‌ای که کتاب التّحییر فی معجم‌الکبیر از ابوسعید سمعانی مروزی (۵۰۶ - ۵۶۲ق) در این باره، اطلاعات بسیاری به ما می‌دهد، و یا نگارش دیگر او یعنی الانساب نیز مطالبی را در اختیار ما می‌گذارد. سمعانی که شمار استادانش بیش از صد نفر بوده‌اند، مدّتی را در اصفهان به سر برده است، و از حضور بیش از سی تن از زنان این شهر، استفاده‌های علمی برده، و استماع حدیث کرده است. هم‌چنین از خلال آثار شخصیت‌هایی همچون علی بن حسن دمشقی معروف به ابن عساکر (۴۹۹ - ۵۷۱ق) مؤلف تاریخ دمشق و یا گزارش‌های موجود در ذیل تاریخ بغداد و برخی آثار دیگر، می‌توان دریافت که زنان اصفهان تا قرن هفتم هجری در عرصه‌های مختلف معنوی، تا چه حد پیشرفته بوده‌اند.

مقدمه

با شکل‌گیری تمدن اسلامی در جهان، سراسر سرزمین‌های مسلمین، شاهد شکوفایی علم و ادب و رشد دانشمندان متفکران بسیاری بود که اصفهان نیز از جمله آن‌ها به شمار می‌رود، به ویژه این‌که موقعیت و جایگاه زنان در تاریخ کشور ما پس از اسلام، محسوس‌تر است؛ چراکه بانوان به سبب ارزشی که تعالیم اسلامی برای آنان قائل شد، وضعیت بهتری یافتند.

عبدالله بن عباس از قول سلمان چنین آورده است:

چون برای عزیمت به یثرب (مدینه) مصمّم شدم، و قصد پای‌بوسی خواجه کاینات، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله را کردم، در آن‌جا زنی اصفهانی را دیدم که در وصول به یثرب و دولت دریافت سعادت اسلام، بر من سبقت گرفته بود، و او مرا به سوی آن حضرت راهنمایی کرد.^(۲)

برخی نیز نخستین ملاقات سلمان با امّ الفارسیه را در مکه ذکر کرده‌اند.^(۳) این صحابی گران‌قدر و عظیم‌الشأن، چگونگی مسلمان شدن خود را این‌گونه بیان می‌دارد:

«با کاروانی به شهر مکه وارد شدم، رییس کاروان مرا به عنوان برده، کنار غلامان حبشی خود که در بوستان یا در نخلستانی بودند برد، قبلاً می‌دانست که یکی از زنان همشهری خود به حجاز آمده است، از این رو در آن‌جا پرس و جو کرد تا از آن

در برخی از منابع تاریخی معتبر آمده است که نخستین زن ایرانی که به دین اسلام گروید، بانویی به نام امّ الفارسیه از اصفهان بوده است، و حتی آمده است که او نخستین مسلمان ایرانی بوده است؛ چراکه پیش از سلمان، اسلام را برگزیده، و سلمان فارسی به راهنمایی این خانم به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله راهنمایی شده است.

زن ایرانی نشان پیدا کند، سرانجام همان بانوی اصفهانی در آنجا نزد سلمان آمد، و او را به محلی که حضرتش تشریف داشتند دلالت کرد، به این ترتیب که به سلمان گفت: آن هنگام که در مکه، گنجشک جیک جیک می‌کند (یعنی از اذان صبح) رسول خداصلی الله علیه وآله با چند نفر کنار کعبه می‌آیند، و هنگامی که طلوع فجر نشده است، و هوا روشن می‌شود، از آنجا می‌روند، و پراکنده می‌شوند.^(۵)

مسلمان با وجود مرکزیت سیاسی و علمی اصفهان در قرون نخستین هجری، زنان در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته‌اند که این موضوع، به ویژه در کانون‌های فرهنگی و نهادهای آموزشی، محسوس‌تر است.

رابعه اصفهانی

از رابعه اصفهانی که در نیمه نخست قرن چهارم قمری زندگی می‌کرده، در آثاری مانند خیرات حسان یاد شده است. به جز آن، برخی تألیفات دیگر نیز با همین عنوان به معرفی او پرداخته‌اند. (۶) این بانو، معاصر با دوران پادشاهان سامانی بوده، و از او اشعاری نقل شده است که در منابع دیگر، این شعرها منسوب به رابعه قزدری است. بیشتر مأخذی که به ذکر احوال رابعه پرداخته‌اند، او را رابعه قزدری معرفی کرده‌اند، و گفته‌اند که سخن او در لطافت و اشمال بر معانی دل‌انگیز، و شعرش به فصاحت و حسن تأثیر، معروف بوده است.^(۷)

عوفی وی را در حسن و جمال، فضل و کمال و معرفت و حال، رمیده روزگار و فریده دهر توصیف کرده است، و او را صاحب عشق حقیقی و مجازی، و یکه‌تاز زبان و ادبیات فارسی و عربی می‌داند. احوالات رابعه، در خاتمه نجات الانس مولانا جامی، مسطور است. جامی، نام او را در شمار زنان صوفی و زاهد آورده است.^(۸) شاهدی بر این که رابعه اصفهانی و رابعه قزدری، هر دو یکی بوده‌اند و یا نه، در دست نیست؛ لیکن همان‌طور که آمد، ابیات منسوب به رابعه اصفهانی، همان ابیات رابعه قزدری است، و از جمله این شعر است:

دعوت من بر تو آن شد که ایزدت عاشق کناد

بر یکی سنگین دلی نامهربان چون خویشتن

تا بدانی درد عشق و داغ مهر و غم خوری

تا به هجر اندر بیبچی و بدانی قدر من

ورکانیه

عایشه ورکانیه^(۹) معروف به امّ الحسن و متوفای سال ۶۴۴ق یکی از مشهورترین علما، دانایان و واعظان عصر خویش بوده است و به نوشته سمعانی، جماعتی از مردان و زنان زمان او، حضور وی را درک کرده‌اند، و بسیاری از این افراد، از شهرها و مناطق دیگر، راهی مجلس درس او شده‌اند. از جمله می‌توان در بین آن‌ها به

مناسبت دارد گونه‌هایی از جنب و جوش علمی اصفهان و محافلی را که بانوان آن به ویژه در قرون پنجم و ششم قمری در این شهر ایجاد کرده بودند را از لابه‌لای نوشته‌های سمعانی بیاوریم تا شکوه این فعالیت‌های علمی آشکار شود.

ام‌الرضا «ضوء» دختر حمد بن علی حبال، ابوالعز حسن بن عادی علوی و ابومنصور حسین بن طلحه صالحانی اشاره کرد.^(۱۰)

عقیلی

از مشهورترین زنان در آن اعصار، یکی فاطمه عقیلی جوزدانی اصفهانی معروف به ام‌البین جوزدانی، متوفای سال ۴۲۵ق است. وی علاوه بر صفات حمیده، حدیث‌شناس، صاحب نظر در مسائل دینی و در آن روزگار، تنها زنی بود که معجم کبیر و معجم صغیر طبرانی را تدریس کرده، و ذهبی دانشمند معروف، از او به عنوان «مسند اصفهان» یاد کرده است.^(۱۱)

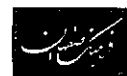
از جمله کسانی که از محضر وی استفاده کرده، دانشمند و سیاست‌مدار معروف و وزیر مشهور دربار سلجوقی، خواجه نظام‌الملک طوسی بوده است.^(۱۲)

عقیفه

عقیفه، معروف به امّ هانی، دختر احمد بن عبدالله بن محمد فارفانی اصفهانی است. وی در سال ۶۱۵ق متولد شد. او از زنان دانشمند عصر خویش بوده، و به خصوص در فقه و حدیث اشتهار داشته است. او آخرین کسی بود که از عبدالواحد، مصاحب ابونعیم، روایت می‌کند. این بانو از ابوعلی حذاد و تعدادی دیگر از مشایخ، اجازه نقل حدیث داشته است. عقیفه، معجم کبیر و معجم صغیر طبرانی را نزد فاطمه (جوزدانی) استماع نموده است.^(۱۳) حافظ عبدالعظیم منذری شامی (متوفای ۵۶۶ق) درباره وی نوشته است:

«بزرگان اهل علم در اصفهان و بغداد، جهت وی اجازاتی ارزشمند داده بودند که مراتب والای علمی را می‌رساند.»^(۱۴)

رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی در سال‌های ۰۹۵ تا ۰۰۶ق از محضر این بانو سود جست است. هم‌چنین عبدالعزیز بن



عبدالملک شیبانی دمشقی نیز در اصفهان از این بانو استماع حدیث کرده است. بنا بر نوشته ابن عماد حنبلی، وفات عقیفه اصفهانی در ربیع الآخر سال ۶۰۶ هجری بوده است.^(۱۵)

تاج النساء

تاج النساء اصفهانی، دختر رستم بن ابی الزجاء اصفهانی است. تولد او در دهه دوم قرن ششم هجری بوده، و گویا عمده سال‌های حیات خود را در مکه مکرمه سکونت داشته است. وی از پیشوایان زنان صوفی در زمان خود بود، و از ابومنصور بن فزاز و ابوالحسن بن عبدالسلام نقل حدیث کرده است. این بانو در سال ۱۱۶ق در شهر مکه، وفات یافته است.^(۱۶)

بانوان اصفهان از قرن پنجم تا هفتم

مناسبت دارد گونه‌هایی از جنب و جوش علمی اصفهان و محافل را که بانوان آن به ویژه در قرون پنجم و ششم قمری در این شهر ایجاد کرده بودند را از لابه‌لای نوشته‌های سمعانی بیابیم تا شکوه این فعالیت‌های علمی آشکار شود.

سمعانی مروزی که در نیمه نخست قرن ششم هجری برای حدیث‌آموزی و حدیث‌نگاری، زادگاه خود شهر مرو را ترک گفت، و با پیمودن راه‌های دور و دراز از یک‌صد شهر و روستا دیدار کرد، و در آن جاها مدتی توقف داشت. به گواهی آثارش از جمله کتاب التّحجیر و یا دست‌نگاشته‌های معجم الشیوخ، در هیچ‌کجا مانند اصفهان نتوانست از مجالس درس بانوان استفاده کند، و در حدیث‌شنیداری (استماع) و حدیث‌نگاری (قرائت)، از خرمن دانش آنان خوشه برچیند. تنها در شهر اصفهان، بیش از سی بانوی حدیث‌دان، به شخصیت‌های ناموری مانند علی بن عساکر دمشقی و عبدالکریم سمعانی مروزی حدیث آموختند؛ از جمله این که در کتاب التّحجیر سمعانی، شمار بانوان حدیث‌شناس اصفهان، برابر است با شمار همه زنانی که نامشان در تاریخ بغداد خطیب بغدادی آمده است. این آمار، نشانگر کوشش و جنب و جوش زنان مسلمان اصفهان و هماهنگی و هم‌گونی محیط آموزشی آنان است، و حکایت بر تکاپوی گرم آموزش زنان

تنها در شهر اصفهان بیش از سی بانوی حدیث‌دان به شخصیت‌های ناموری مانند علی بن عساکر دمشقی و عبدالکریم سمعانی مروزی حدیث آموختند

اصفهان در سده‌های پنجم و ششم هجری می‌کند که شایسته است در این‌جا بدان اشاره داشته باشیم:

امّ محمد اصفهانی (آمنه)

دختر عبّاد بن علی بن حمزه طباطبایی، از امام ابومحمد رزق‌الله تمیمی، حدیث آموخت.^(۱۷) سمعانی از این بانو اندکی حدیث شنید.^(۱۸)

امّ سلمه حسن‌آبادی (آمنه)

دختر ابوطاهر عبدالکریم حسن‌آبادی، زنی بود پارسا از خاندان حدیث که از ابوحفص عمر بن احمد عمر سمسار اصفهانی، حدیث شنید.^(۱۹) سمعانی در اصفهان از او حدیث آموخت.^(۲۰)

امّ النّجم اصفهانی

دختر هبه‌الله خیری اصفهانی، از ابومعمر شیبان بن عبدالله بن احمد محتسب برجی، حدیث شنید. سمعانی در اصفهان از این بانو حدیث آموخت.^(۲۱) امّ النّجم به سال ۸۴۵ق در زادگاهش جان سپرد.^(۲۲) تقیه

دختر مفضل اصفهانی از رییس ابوعبدالله قاسم بن فضل ثقفی حدیث شنید. سمعانی نتوانست پای درس حدیث این بانوی اصفهانی بنشیند؛ ولی در سال ۲۳۵ق از وی اجازه روایت حدیث دریافت کرد.^(۲۳) در التّحجیر به نام «تقیّه» دیگری نیز بازمی‌خوریم که دختر ابوالقاسم اصفهانی بود (متوفای ۱۴۵ق). پدر بزرگ تقیه، ابوسعید بغدادی بود، و پدر بزرگ مادری این بانوی حدیث‌دان، استاد سمعانی بود. سمعانی گزارش می‌دهد که نزد تقیه، یک جزء از حدیث خوانده است؛ ولی، یا آن را ننگاشته، و یا پس از نگارش، مفقود شده است.^(۲۴)

امّ الفتح لبنانی (رابعه)

دختر ابوسعید بن احمد (متوفای ۴۳۵ق) از خاندان نیکوکاری و فضل بود. سمعانی، نزد پدر این بانو، ابوسعید احمد بن محمد بن احمد بغدادی حافظ، درس خوانده بود.^(۲۵) لبنان، که در اعلام النساء کحاله، به نادرستی، «لبنان» ضبط شده است، محله‌ای در اصفهان است. هم‌چنین دروازه‌ای و کوی و برزنی به همین نام در اصفهان بوده است.

شمار بانوان حدیث‌شناس
اصفهان، برابر است با شمار
همه زنانی که نامشان در تاریخ
بغداد خطیب بغدادی آمده
است. این آمار، نشانگر کوشش
و جنب و جوش زنان مسلمان
اصفهان و هماهنگی و هم‌گونی
محیط آموزشی آنان است، و
حکایت بر تکاپوی گرم آموزش
زنان اصفهان در سده‌های
پنجم و ششم هجری می‌کند

امّ محمّد اصفهانی (زلیخا)

و به گفته‌ای امّ ضیاء، دختر احمد بن فضلوّیه جمال اصفهانی، شاگرد تمیمی، قاسم بن فضل ثقفی، ابوالفراس طراد زینبی و گروهی دیگر بود. شاگردی این بانو برای سمعانی ممکن نشد؛ ولی اجازه روایت حدیثی از وی به دست آورد. سمعانی می‌نگارد که معمر المفید، دوست صمیمی او، در نگارش حدیث از این بانوی اصفهانی کام‌یاب بود.^(۲۶)

امّ البهاء اصفهانی (جمعه)

دختر ابوالزّجاء بشار بن احمد بن محمّد بن عبدالله جعفر صوفی صفّار آموزگار (متولد سال ۵۸۴ق) زنی شایسته، نیکوکار و از خاندانی حدیث‌شناس بود. او به کودکان، قرآن یاد می‌داد. با هوش سرشاری که داشت، از راه شنیدن نزد سهل بن عبدالله غازی و ربیع ابوعبدالله قاسم بن فضل، حدیث آموخت، و برای حدیث‌پژوهی، راهی عراق و خراسان شد. سمعانی توانست سه جزء از این بانو بنگارد.^(۲۷)

امّ النّجم فضلوّیه (حوار)

دختر محمّد بن فضلوّیه و همسر ابوبکر محمّد بن احمد بن علی خطیب، نزد ابوطیب حبیب بن محمّد بن احمد تهرانی حدیث آموخت. سمعانی گزارش می‌دهد که برای آموختن حدیث از این بانو، به خانه شوهرش می‌رفته است، ولی حدیث اندکی از وی شنیده است.^(۲۸)

امّ الشّمس اصفهانی (خجسته)

دختر ابواسحاق ابراهیم بن عبدالوهاب بن محمّد منده، زنی پارسا، عابد، نیکوکار و عمیق به نسب‌شناسی در حدیث بود. او نزد پدر بزرگش ابوعمر عبدالوهاب حدیث آموخت. سمعانی از این بانو نیز حدیث شنید. این حدیث‌دان در حدود سال ۷۴۰ در اصفهان زاده شد. ابن عساکر دمشقی، نزد این بانو حدیث آموخت.^(۲۹)

امّ البهاء اصفهانی (خجسته)

دختر ابوالمظفر بن ابی‌فتح بن ماجه، پای درس شجاع بن علی مُصقلی می‌نشست. این بانو که پس از سال ۵۰۴ق چشم به جهان گشود، به سمعانی حدیث آموخت.^(۳۰)

امّ الضیاء (ست) ((سیده)) الجلیل

دختر ابومحمّد بن حسن بن حسین بن احمد بن یحیی وثابی معروف به ورقانی ادیب، همسر اسماعیل بن محمّد حافظ، استاد سمعانی، زنی پارسا، پرهیزکار، نیکوکار و از خاندان دانش بود. این بانو به مجلس درس ابوبکر بن ماجه می‌آمد، و توانست «جزء لّوین» را پیش او بخواند. سمعانی، همین جزء را از این بانو شنید.^(۳۱)

امّ النّجم عنبری

یا به گفته‌ای امّ الفخر ستّ «سیده» العراق، دختر ابومضّر عبدالواحد بوزانی، از خاندان حدیث و در شمار بزرگ‌زادگان اصفهان بود. این بانوی



اصفهانی، نزد پدر بزرگوارش مطهر بن عبدالواحد بوزانی حدیث آموخت. سمعانی «جزء ابو حفص فلاس» را نزد این بانو نگاشت. (۳۲)

ست ناز اصفهانی

دختر مفضل بن ابی الفوارس شرابی، نزد شجاع بن علی مصقلی حدیث آموخت. سمعانی از این بانو، حدیث‌هایی شنید. ابن ماکولا می‌نگارد که ست ناز، از ابوبکر محمد بن عمر بن ابراهیم تهرانی حدیث شنید، و ابوبکر لفتوانی (متوفای ۳۳۵) از این بانوی اصفهانی، حدیث آموخت. سال مرگ ست ناز، به نگاشته ابن ماکولا، سال ۸۲۵ ق است. (۳۳)

امّ الزجاء اصفهانی (زبیده)

دختر محمد بن احمد بن حسن بن حسین یزدخواستی، از ابو حفص عمر بن احمد سمسار اصفهانی و دیگران حدیث نگاشت. سمعانی حدیث‌هایی از این بانو به رشته نگارش درآورد. (۳۴)

ست آرمیه اصفهانی

دختر احمد بن محمد بن حداد، از ابراهیم بن محمد بن ابراهیم طیان حدیث آموخت. سمعانی توانست اندکی حدیث از این بانو بنگارد. (۳۵)

امّ الفتح بانویه (ظفر)

دختر ابونصر کاتب، در سال ۳۳۵ به سمعانی اجازه روایت حدیث داد. (۳۶)

امّ الفتوح اصفهانی (ضمباء)

دختر احمد بن فضل بازرگان، در سال ۳۳۵ ق برای سمعانی اجازه حدیث نگاشت. (۳۷)

امّ الضیاء اصفهانی (عاشورا)

دختر محمد بن فضل دیلمی، شاگرد ابو حفص عمر بن احمد سمسار اصفهانی بود، و سمعانی هم از او اندکی حدیث شنید. (۳۸)

امّ الخیر اصفهانی (عافیه)

دختر حسین بن عبدالملک بن عبدالملک بن عبدالوهاب بن محمد بن منده عبیدی، زنی پارسا و از خاندان حدیث بود که نزد ابوبکر محمد بن احمد بن ماجه، حدیث فراگرفت. سمعانی «جزء لؤین» را نزد این بانو شنید. امّ الخیر در سال ۹۳۵ ق رخت از این جهان برپست. (۳۹)

ست الناس اصفهانی

دختر سیدعلی بن عبّاد بن علی بن حمزه طباطبایی علوی، نزد ابراهیم طیان حدیث شنید. سمعانی می‌نویسد که من در سال ۱۳ (۱۳۵ ق) از این بانو به اندازه دو برگ حدیث نوشتم. (۴۰)

امّ العزّ اصفهانی (ستکا یا ستکا)

دختر محمد بن فضل دیلمی اصفهانی، از عمر بن احمد بن عمر سمسار حدیث آموخت. سمعانی، اندکی از او حدیث شنید. (۴۱)

امّ الرضا (ضوء)

دختر ابوشکر محمد بن علی بن محمد حبال، زنی بود پاکدامن، نیکوکار و عابد. این بانو در دامن خود، دو فرزند حدیث‌دان را پرورش داد که فرزندان ابوالفداء مدینی بودند. این زن نزد مادر بزرگ پدرش، عایشه دختر حسن بن ابراهیم ورکانی^(۳۲) و پدر خویش، ابوشکر محمد بن علی حبال، حدیث یاد گرفت. سمعانی در اصفهان از این بانوی اصفهانی، حدیث نگاشت. به گمان سمعانی، این زن حدیث‌دان، در سال ۵۴۴ ق. دیده به جهان گشوده بود.^(۳۳)

امّ الکرام قرشی

و به گفته‌ای، امّ البهاء شهر آرمیه، دختر ابوالقاسم عبدالواحد بن عبدالواحد بن محمد بن فخر قرشی، از کسانی مانند رزق‌الله تمیمی، لاحق بن اسحاق و دیگران حدیث شنید. برادر این بانوی اصفهانی، دوست سمعانی بود. سمعانی توانست اندکی حدیث از این بانو، با بهره‌رسانی برادرش، بنگارد بنا بر نگاهش برادر امّ الکرام به سمعانی، این زن حدیث‌دان در سال ۵۴۴ ق. زاده شد، و در سال ۵۴۵ درگذشت.

امّ الکرام (ضوء)

دختر حمد بن محمد بن ابی‌الفتح فضل، و به گفته‌ای، دختر احمد بن سمعانی از او حدیث‌هایی شنید.^(۳۴)

امّ الفتوح یزانیه (عین الشمس)

دختر مفضل بن مطهر، از خاندان حدیث و بزرگان، نزد پدر بزرگش مطهر بن عبدالواحد حدیث فراگرفت. سمعانی از او در اصفهان حدیث نگاشت. در جای دیگری آمده است که حافظ ابوالقاسم بن عساکر با گرفتن اجازه از این بانو در معجم خویش حدیث نگاشته است؛ و علی بن احمد بن عبدالواحد مقدسی با اجازه از وی، حدیث روایت کرده است. این بانو در سال ۱۰۱۶ ق. درگذشت.

امّ النجم سوذرجانی (فاطمه)

دختر احمد بن عبدالله سوذرجانی اصفهانی (متوفای ۱۳۵ ق.)، زنی پارسا از خاندان حدیث بود که سمعانی در سال ۱۳۵ ق. از او حدیث شنید. این زن، شاگرد احمد بن محمد بن عمر نقاش بود.^(۳۵)

امّ البهاء اصفهانی (فاطمه)

دختر ابوالفضل محمد بن احمد بن حسن بن ابی‌سلیمان سعدان (متوفای ۹۳۵)، زنی پارسا، سال خورده، حدیث‌دان و مُسنده بود. او خواهر استاد سمعانی بود. سمعانی در اصفهان، از این بانوی دانشمند اصفهانی که بیش از صد سال زندگی کرد، حدیث‌ها شنید، و روایت‌ها نگاشت. این بانوی پاکدامن و کوشا، چندان زیست که مرگ همگانش را به چشم دید.^(۳۶)

امّ الفتوح قیسی (فاطمه)

دختر محمد بن عبدالله بن حسن قیسی (متوفای ۵۴۵)، زنی نیکوکار و شایسته بود.^(۳۷)

امّ المجتبی علوی (فاطمه)

دختر سیدناصر بن حسن بن حسین بن طلحه علوی (متوفای ۳۳۵ ق.)، زنی سال خورده بود که سمعانی توانست از او در اصفهان حدیث بشنود.^(۳۸)

امّ الکرام اصفهانی

که به او امّ الخیر فخرالتساء هم می‌گفتند، دختر ابوالفضایل اسعد بن قاضی اصفهانی، از خاندان حدیث و فقه بود. ابن قولویه از او حدیث شنید.^(۳۹)

امّ البهاء تهرانی (خجسته)

دختر محمد بن احمد بن علی حدّاد تهرانی، از رؤسای تهرانی اصفهان، از ابوشکر احمد بن علی بن محمد حبال اصفهانی حدیث اندوخت. سمعانی از او یک حدیث آموخت.^(۴۰)

امّ البهاء (خجسته)

دختر ابوالمظفر بن ابی‌الفتح ماجه، که پس از سال ۵۴۴ ق. زاده شد، پای درس شجاع بن علی مصقلی می‌نشست. سمعانی از او اندک حدیث‌هایی نگاشت.^(۴۱)

شمار این بانوان، حکایت از برجستگی تلاش‌ها و فعالیت‌های ارزشمند علمی و معنوی بانوان اصفهان تا قرن هفتم هجری است.

در انتها نیز شایسته است از بانویی اصفهانی که در عصر مذکور، شعر و ادب فارسی را به آسیای صغیر و دربار حاکمان آن دیار برد نیز یاد شود.

دختر حسام‌الدین سالار اصفهانی از زنان شاعر قرن هفتم هجری است که تذکره‌ها از او با عنوان «بنت اصفهانی» یاد کرده‌اند. پدرش ملقب به حجة‌الحق و استاد‌الدنیا، شاعر و فیلسوف نیمه دوم قرن ششم هجری بود. بنت اصفهانی، مدّت‌ها در شهر موصل زیسته است. او اشعار بسیاری سروده است، قصیده ترکیب‌بندی در هفتاد و دو بیت در مدح عزالدین کیکاووس اول (سلطنت: ۷۰۶ - ۷۱۶ ق.) از امرای سلجوقی آسیای صغیر سرود، و نزد او به قونیه فرستاد.^(۴۲) ابن بی بی در این باره آورده است:

«دختر حسام‌الدین سالار، قصیده هفتاد و دو بیت از موصل به خدمتش فرستاد، و [سلطان] به عوض هر بیئی، صد دینار سرخ درباره او انعام فرمود.»^(۴۳)
از رباعیات او است:

روزی که طرب با لب و خال تو کند

جان تازه به فرخنده جمال تو کند

این جرم که زنده مانده‌ام بی‌رخ تو

در گردن امید وصال تو کنم

امید است این مقاله تا اندازه‌ای نقش زنان شهر تاریخ‌ساز اصفهان را از قرون اولیه اسلامی تا قرن هفتم هجری آشکار ساخته باشد.

پی نوشت:

- (۱) پژوهشگر، مدرّس دانشگاه و مسؤول پژوهش مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- (۲) یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۰۹.
- (۳) مافزوخ، مفصل بن سعد، محاسن اصفهان، ص ۷۰، ریاحی، محمّدحسین، مشاهیر زنان اصفهان، ص ۱۱.
- (۴) ابن اثیر، علی بن محمّد، اسدالغابه فی معرفة الصّحابه، ج ۷، ص ۲۵.
- (۵) امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشّیعه، ج ۷، ص ۲۸۳.
- (۶) اعتمادالسلطنه، محمّدحسین بن علی، خیرات حسان، ج ۲، ص ۱۴۱؛ مهدوی، سیدمصالح‌الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱؛ محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشّریعه، ص ۲۷۳.
- (۷) صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۴۴۹.
- (۸) جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس، صص ۶۱۳ - ۶۱۵.
- (۹) یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۷۳.
- (۱۰) سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمّد، التّحییر فی معجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۶۹.
- (۱۱) کتّاله، عمررضا، اعلام‌النساء، ج ۴، ص ۶۸.
- (۱۲) سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمّد، التّحییر فی معجم الکبیر، ج ۲، ص ۴۲۹؛ زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۵، ص ۱۳۱.
- (۱۳) ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۵، ص ۱۹.
- (۱۴) زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۴، ص ۳۳۹.
- (۱۵) ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۵، ص ۱۹.
- (۱۶) ابن دبیثی، ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۵، ص ۳۳۹.
- (۱۷) ریاحی، محمّدحسین، مشاهیر زنان اصفهان، ص ۳۱.
- (۱۸) سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمّد، التّحییر فی معجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۹۶.
- (۱۹) ریاحی، پیشین، ص ۴۷.
- (۲۰) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۶.
- (۲۱) همان، ج ۲، ص ۳۹۷.
- (۲۲) ریاحی، پیشین، ص ۸۲.
- (۲۳) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۸؛ ریاحی، پیشین، ص ۱۳۸.
- (۲۴) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۸.
- (۲۵) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۷؛ ریاحی، پیشین، ص ۳۵.
- (۲۶) کتّاله، عمررضا، اعلام‌النساء، ج ۲، ص ۳۶؛ ریاحی، پیشین، ص ۳۰.
- (۲۷) سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمّد، التّحییر فی معجم الکبیر، ج ۲، ص ۴۰۱.
- (۲۸) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۷؛ کتّاله، عمررضا، اعلام‌النساء، ج ۱، ص ۳۰۵.
- (۲۹) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۴؛ ریاحی، پیشین، ص ۴۳.
- (۳۰) ریاحی، پیشین، ص ۵۱.
- (۳۱) همان، ص ۴۱.
- (۳۲) سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمّد، التّحییر فی معجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ریاحی، محمّدحسین، مشاهیر زنان اصفهان، ج ۱، ص ۳۷.
- (۳۳) کتّاله، عمررضا، اعلام‌النساء، ج ۱، ص ۳۱۵.
- (۳۴) سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمّد، التّحییر فی معجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۹۶؛ کتّاله، عمررضا، اعلام‌النساء، ج ۳، ص ۳۰.
- (۳۵) ریاحی، محمّدحسین، مشاهیر زنان اصفهان، ص ۱۹۷.
- (۳۶) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ریاحی، پیشین، ص ۳۷.
- (۳۷) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ریاحی، پیشین، ص ۳۹.
- (۳۸) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۴؛ کتّاله، عمررضا، اعلام‌النساء، ج ۳، ص ۲۲.
- (۳۹) سمعانی، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۵.
- (۴۰) همان، ص ۴۱۴.
- (۴۱) همان، ص ۴۱۴.
- (۴۲) به نوشته یاقوت حموی در کتاب نفیس معجم البلدان، ورکان منطقه‌ای از مناطق اصفهان بوده است. جماعتی از علما و دانشوران به آنجا متسوب‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن اثیر، علی بن محمّد، اسدالغابه فی معرفة الصّحابه، تحقیق و تعلیق: محمّد ابراهیم البنا، بیروت: [بی‌نا، بی‌تا].
۲. ابن بی‌بی منجمه، یحیی بن محمّد، سلجوق‌نامه، چاپ شده در اخبار سلجوقه روم، به اهتمام محمّدجواد مشکور، تهران: [بی‌نا، چاپ اول ۱۳۵۰ش].
۳. ابن دبیثی، ذیل تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول ۱۴۰۵ق، ج ۱۵.
۴. ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۵. اعتمادالسلطنه، محمّدحسین بن علی، خیرات حسان، تهران: وزارت انطباعات و دارالتّرجمه، ۱۳۰۴ - ۱۳۰۷ق.
۶. امین عاملی، سیدمحسن، اعیان الشّیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، [بی‌تا].
۷. جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس، با تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: اطلاعات، چاپ دوم ۱۳۷۳ش.
۸. رجیبی، محمّدحسین، مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی، تهران: سروش، ۱۳۷۴ش.
۹. ریاحی، محمّدحسین، مشاهیر زنان اصفهان، بر اساس یادداشت‌های سیدمصالح‌الدین مهدوی، اصفهان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان، چاپ اول ۱۳۷۵ش.
۱۰. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ نهم ۱۹۹۰م.
۱۱. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمّد، التّحییر فی معجم الکبیر، تحقیق منیره ناجی سالم، بغداد: ریاسة دیوان الاوقاف، ۱۳۹۵ق.
۱۲. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوسی، چاپ هشتم ۱۳۷۲ش.
۱۳. کتّاله، عمررضا، اعلام‌النساء، بیروت: مؤسسه الرّسالة، ۱۴۰۴ق.
۱۴. مافزوخ، مفصل بن سعد، محاسن اصفهان، ترجمه حسین بن ابی‌الرّضا آوی، تهران: یادگار، ۱۳۲۸ش.
۱۵. محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشّریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا].
۱۶. مهدوی، سیدمصالح‌الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، اصفهان: ثقفی چاپ دوم ۱۳۲۸ش.
۱۷. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله، معجم البلدان، بیروت: دارالاحیاء الثّرات العربی، ۱۳۹۹ق.